ابتکار

روزنامه صبح ایران

دوشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۵
۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۹ نوامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۶۲۹۵
۸ صفحه
۴۰۰۰۰ تومان

«ابتکار» از اختلاف نظر دولت و مجلس در خصوص کالابرگ گزارش می‌دهد

معیشت در تنگنای قانون و تورم

صفحه ۲



«ابتکار» از دیدار احتمالی شی، ترامپ و پوتین در چین گزارش می‌دهد

پکن در تدارک نشست بزرگ

گروه بین‌الملل - رایزنی‌های چین برای برگزاری نشست سه‌جانبه رؤسای جمهور این کشور، آمریکا و روسیه، احتمال شکل‌گیری یکی از مهم‌ترین رویدادهای دیپلماتیک ماه‌های اخیر را مطرح کرده است؛ نشستی که در صورت برگزاری می‌تواند فرصتی برای گفت‌وگوی مستقیم سه قدرت جهانی درباره جنگ اوکراین، کنترل تسلیحات هسته‌ای و اختلافات تجاری باشد. بااین‌حال، فاصله میان منافع راهبردی پکن، واشنگتن و مسکو به اندازه‌ای است که حتی حضور رهبران سه کشور پشت یک میز نیز لزوماً به معنای دستیابی به توافق‌های تعیین‌کننده نخواهد بود. اهمیت این ابتکار بیش از هر چیز در تلاش چین برای قرار گرفتن در مرکز گفت‌وگوهای قدرت‌های بزرگ و مدیریت بخشی از تنش‌هایی نهفته است که آینده مناسبات بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

به گزارش آسوشیتدپرس، چین رایزنی‌هایی را برای برگزاری دیداری میان شی جین‌پینگ، دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین در حاشیه اجلاس سران همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه، موسوم به اپک، در شنجن آغاز کرده است. مائو نینگ، سخنگوی وزارت امور خارجه چین، تأیید کرده که پکن درباره امکان برگزاری چنین نشستی با طرف‌های مرتبط در حال تبادل نظر است؛ هرچند هنوز توافق نهایی درباره زمان، دستور کار و شکل برگزاری آن اعلام نشده است.

طرح این نشست در شرایطی مطرح می‌شود که روابط سه کشور هم‌زمان با مجموعه‌ای از رقابت‌ها و ضرورت‌های همکاری مواجه است. آمریکا و چین در حوزه تجارت و فناوری اختلافات گسترده‌ای دارند، روسیه و غرب همچنان بر سر جنگ اوکراین در تقابل قرار گرفته‌اند و مسئله کنترل تسلیحات هسته‌ای نیز به یکی از نگرانی‌های مهم امنیت بین‌المللی تبدیل شده است.

برای چین، میزبانی احتمالی چنین نشستی می‌تواند فرصتی برای نمایش ظرفیت دیپلماتیک و تأکید بر نقش این کشور در مدیریت مناسبات قدرت‌های بزرگ باشد. بااین‌حال، تبدیل این فرصت به دستاوردی ملموس نیازمند توافق طرف‌ها درباره موضوعاتی است که تاکنون حل‌وفصل آنها دشوار بوده است.

شرح در صفحه ۵

پزشکیان مطرح کرد

جناح‌بازی‌ها را کنار بگذاریم

صفحه ۲



سرمقاله

سجاد بخون



«مسیر ترامپ» در قفقاز جنوبی و پیامد های آن برای ایران

توافق درباره مسیر موسوم به «مسیر ترامپ» (TRIPP)، قفقاز جنوبی را وارد مرحله تازه‌ای از رقابت‌های ژئوپلیتیکی کرده است. این پروژه که قرار است ارتباط جمهوری آذربایجان با نخجوان را از طریق استان سیونیک ارمنستان برقرار کند، صرفاً یک طرح حمل‌ونقلی نیست؛ بلکه می‌تواند موازنه اقتصادی و امنیتی منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. برای ایران نیز پرسش اصلی این است که با شکل‌گیری این مسیر، چه جایگاهی در شبکه ترانزیتی آینده اوراسیا خواهد داشت و چگونه می‌تواند از کاهش نفوذ اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود جلوگیری کند.

توافق آذربایجان و ارمنستان و ترتیبات جدید در قفقاز جنوبی

توافق صلح میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان با میانجی‌گری آمریکا، تحولی مهم در مناسبات قفقاز جنوبی به شمار می‌رود. یکی از بخش‌های مهم این توافق، ایجاد مسیری با عنوان «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» (TRIPP) است که از استان سیونیک ارمنستان، در محدوده‌ای به طول تقریبی ۳۲ تا ۴۳ کیلومتر، عبور می‌کند و ارتباط جمهوری آذربایجان با نخجوان را تسهیل خواهد کرد.

اهمیت این طرح تنها به ایجاد یک مسیر ارتباطی جدید محدود نمی‌شود؛ بلکه نحوه مدیریت و بهره‌برداری از آن نیز پیامدهای مهمی برای حاکمیت ارمنستان و امنیت کشورهای همسایه خواهد داشت. بر اساس چارچوب اجرایی مطرح‌شده، امتیاز توسعه و بهره‌برداری از پروژه برای دوره اولیه ۴۹ ساله، با امکان تمدید ۵۰ سال دیگر، پیش‌بینی شده است. همچنین ساختار پیشنهادی شرکت توسعه TRIPP بر مشارکت ۷۴ درصدی طرف آمریکایی و ۲۶ درصدی دولت ارمنستان استوار است.

ادامه درهمین صفحه

رونمایی ترامپ از سخنگوی جدید

از قفس مبارزه تا تریبون کاخ سفید

صفحه ۵



سقف درآمد خانوارها مشخص شد

چه کسانی از فهرست کالابرگ حذف می‌شوند؟

صفحه ۶



آیزنکوت مامور تشکیل کابینه شد

آغاز جنگ قدرت در تل‌آویو

صفحه ۵



انتقاد عارف از اصلاحات ناکافی قوانین بازنشستگی

تنها ۳۰ تا ۴۰ درصد وعده‌ها به بازنشستگان محقق شده است

معاون اول رئیس‌جمهوری با انتقاد از تحقق‌نیافتن وعده‌های داده‌شده به بازنشستگان تأکید کرد: سالمندان پس از دهه‌ها خدمت نباید احساس رهاشدگی کنند و نظام حکمرانی سالمندی باید به‌گونه‌ای اصلاح شود که عزت و معیشت آنان حفظ شود.

محمدرضا عارف در جلسه شورای ملی سالمندی، با بیان اینکه بازنشستگان پس از ۳۰ تا ۴۰ سال خدمت احساس رهاشدگی می‌کنند، تأکید کرد: سالمندان فرصتی ارزشمند برای کشور هستند؛ آنان ۳۰ تا ۴۰ سال تجربه کاری دارند و پس از ورود به دوران سالمندی و بازنشستگی، در واقع مرحله دوم خدمت خود را آغاز می‌کنند. آنان اگرچه دیگر تکلیف اداری ندارند، اما همچنان نسبت به کشور احساس تعهد می‌کنند.

وی با طرح این پرسش که آیا کشور آمادگی و برنامه‌ریزی لازم برای استفاده از این فرصت را دارد، اظهار کرد: بازنشستگان ۳۰ تا ۴۰ سال زحمت کشیده‌اند و به نظام و مردم خدمت کرده‌اند، اما اکنون احساس می‌کنند رها شده‌اند. همچنین وعده‌هایی به آنان داده شده که محقق نشده است.

معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به حرکت تدریجی جامعه از جوانی به سالمندی طی دو دهه گذشته و مشکلات اقتصادی بازنشستگان، از جمله کارمندان، معلمان و استادان دانشگاه، گفت: از سال ۱۳۷۸ اصلاح قانون بازنشستگی و برخی اصلاحات ساختاری و حقوقی انجام شد، اما این اقدامات تنها نقش مسکن داشت و مشکلات بازنشستگان را به‌صورت اصولی حل نکرد. قوانین ما جامعیت لازم را ندارند و به همین دلیل، مشکلاتی مانند همسان‌سازی حقوق بازنشستگان ایجاد شده است.

وی با انتقاد از پیچیدگی حقوقی ناشی از تسری برخی احکام به دوره‌های گذشته، این پرسش را مطرح کرد که قوانین تا چه دوره‌ای باید عطف به ماسبق شوند و ادامه داد: قوانین ما به دلیل جامع‌نبودن، فرصت بازنشستگی را به یک تهدید تبدیل کرده‌اند. بازنشسته باید مشاور امین دستگاه‌ها باشد و زندگی آرامی داشته باشد، اما به دلیل کاستی‌های قانونی و وعده‌هایی که به آنان داده شده، شاهد اعتراض بازنشستگان هستیم؛ در حالی که آنان افرادی حساس، خدمتگزار و محق هستند.

عارف با بیان اینکه مشکلات بازنشستگان با وجود تلاش‌های انجام‌شده از سال ۱۳۷۸ همچنان پابرجاست، فقدان قانون جامع و نظام حکمرانی بازنشستگی را از عوامل اصلی تداوم این مشکلات دانست و تأکید کرد: اکنون باید برای حل مشکلات سالمندان و بازنشستگان به‌صورت جدی اقدام کنیم و خود را به بودجه و منابع دولتی محدود نکنیم، بلکه از منابع عمومی و ظرفیت نهادهای مردمی نیز کمک بگیریم.

معاون اول رئیس‌جمهوری افزود: باید نظام حکمرانی جامع، منطقی، معقول، ارزشمند و در شأن سالمندان ایجاد کنیم. تاکنون در این زمینه شعار داده‌ایم، اما اقدام جدی انجام نداده‌ایم. شاید تنها ۳۰ تا ۴۰ درصد وعده‌های داده‌شده به بازنشستگان محقق شده باشد.

وی با تأکید بر ضرورت استفاده از تجربه‌های بین‌المللی در طراحی نظام حکمرانی سالمندی گفت: می‌توانیم از تجربیات سایر کشورها بهره بگیریم، اما این نظام نمی‌تواند وارداتی باشد. ممکن است یک نظام بازنشستگی در کشوری دیگر کارآمد باشد، اما در ایران پاسخگوی نیازهای جامعه نباشد.

معاون اول رئیس‌جمهور همچنین با اشاره به جایگاه احترام به سالمندان در فرهنگ ایرانی، این پرسش را مطرح کرد که الگوی خانه سالمندان، به‌عنوان مدلی غربی، تا چه اندازه با فرهنگ جامعه ایران سازگار است و تأکید کرد: نظام حکمرانی سالمندی باید عزت سالمندان را حفظ کند و به‌گونه‌ای طراحی شود که افراد در دوران بازنشستگی نگران تأمین معیشت خود نباشند.

در این نشست، راه‌اندازی داشبورد ملی سالمندی، سند ملی اشتغال نقره‌ای سالمندان، ایجاد سامانه ملی منابع نقره‌ای و بسته جامع مشوق‌های مالیاتی، بیمه‌ای و سرمایه‌گذاری در اقتصاد نقره‌ای به تصویب رسید. همچنین پیش‌نویس اصلاح سند ملی سالمندی و قانون جامع سالمندی بررسی شد.

نخستین مصوبه این جلسه، راه‌اندازی «داشبورد ملی سالمندی کشور» با هدف ایجاد نظام یکپارچه پایش هوشمند و رصد وضعیت سالمندان بود که بر اساس این مصوبه، اطلاعات مرتبط با وضعیت سالمندان از سوی دستگاه‌های مختلف تجمیع خواهد شد تا برنامه‌ریزی در این حوزه بر پایه داده‌های دقیق و به‌روز انجام گیرد.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری، مرکز آمار ایران، سازمان بهزیستی و سایر دستگاه‌های مرتبط موظف شدند اطلاعات مورد نیاز در حوزه سالمندی را در اختیار شورای ملی سالمندان قرار دهند تا زمینه راه‌اندازی این داشبورد فراهم شود.

در ادامه جلسه، «سند ملی اشتغال نقره‌ای سالمندان» با هدف بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی، مهارتی و اجتماعی سالمندان و فراهم‌کردن زمینه تداوم فعالیت و مشارکت آنان در جامعه به تصویب رسید. در این سند، شناسایی و طراحی مشاغل متناسب با شرایط سالمندان، حمایت از اشتغال و کارآفرینی، تداوم فعالیت اقتصادی، استفاده از تجربه بازنشستگان و تقویت مشارکت اجتماعی و رفاه آنان هدف‌گذاری شده است. اقتصاد نقره‌ای به فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی مرتبط با نیازها، خدمات و ظرفیت‌های جمعیت سالمند اطلاق می‌شود.



سرمقاله

«مسیر ترامپ» در قفقاز جنوبی و پیامد های آن برای ایران

ادامه از همین صفحه

این ترتیبات نشان می‌دهد که واشنگتن صرفاً به دنبال میانجی‌گری برای پایان دادن به اختلافات دو کشور نیست، بلکه قصد دارد در شکل‌گیری نظم ژئوپلیتیکی، اقتصادی و ارتباطی آینده منطقه نیز نقش مستقیمی داشته باشد.

مسیر ترامپ؛ ابعاد اقتصادی و زیرساختی آن

مسیر ترامپ را نباید صرفاً یک جاده یا خط ریلی برای اتصال دو بخش از خاک جمهوری آذربایجان دانست. در صورت اجرای کامل، این پروژه می‌تواند مجموعه‌ای از زیرساخت‌های حمل‌ونقل، انرژی و ارتباطات دیجیتال را در بر بگیرد.

در حوزه حمل‌ونقل، اتصال شبکه‌های جاده‌ای و ریلی می‌تواند انتقال کالا میان آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و اروپا را تسهیل کند. این مسئله به‌ویژه برای کشورهایی اهمیت دارد که به دنبال کاهش وابستگی به مسیرهای سنتی عبور کالا از روسیه هستند. در چنین شرایطی، مسیر ترامپ می‌تواند به یکی از شاخه‌های مهم کریدور میانی تبدیل شود و موقعیت ترکیه و جمهوری آذربایجان را در شبکه ترانزیتی منطقه تقویت کند.

در حوزه انرژی نیز توسعه خطوط انتقال نفت و گاز، شبکه‌های برق و اتصال بازارهای انرژی منطقه مطرح است. همچنین ایجاد زیرساخت‌های فیبر نوری می‌تواند قفقاز جنوبی را به یکی از مسیرهای مهم انتقال داده میان آسیا و اروپا تبدیل کند. بنابراین، اهمیت این پروژه تنها در جابه‌جایی کالا خلاصه نمی‌شود؛ بلکه پیوند میان حمل‌ونقل، انرژی و ارتباطات دیجیتال، آن را به ابزاری برای افزایش نفوذ اقتصادی و سیاسی تبدیل می‌کند.

اهداف آمریکا؛ اقتصاد یا بازتعریف موازنه قدرت؟

حضور مستقیم ایالات متحده در پروژه‌ای واقع در جنوب قفقاز را نمی‌توان صرفاً با انگیزه‌های اقتصادی توضیح داد. واشنگتن در سال‌های اخیر تلاش کرده است حضور خود را در مناطق مهم اوراسیا گسترش دهد و قفقاز جنوبی، به دلیل موقعیت جغرافیایی و نزدیکی به روسیه، ایران و آسیای مرکزی، اهمیت ویژه‌ای برای آن دارد.

از منظر راهبردی، TRIPP می‌تواند چند هدف را به‌طور هم‌زمان دنبال کند: افزایش نفوذ آمریکا در منطقه، تقویت مسیرهای تجاری و انرژی خارج از قلمرو روسیه و ایجاد زمینه‌ای برای حضور بلندمدت اقتصادی و سیاسی در نزدیکی مرزهای ایران.

البته نباید تمام ابعاد این طرح را به سیاست مهار ایران تقلیل داد. رقابت با روسیه، کاهش وابستگی اروپا به مسیرهای سنتی انتقال انرژی و محدود کردن نقش چین در شبکه‌های ارتباطی اوراسیا نیز در محاسبات واشنگتن اهمیت دارند.

با این حال، برای تهران یک مسئله اهمیت ویژه‌ای دارد: شکل‌گیری یک ساختار اقتصادی با مشارکت مستقیم آمریکا در نزدیکی مرزهای شمالی ایران. چنین حضوری لزوماً به معنای تهدید فوری امنیتی نیست، اما می‌توانند در بلندمدت بر مناسبات امنیتی و قدرت چانه‌زنی ایران اثر بگذارد.

ایران در برابر معادله جدید؛ تهدید ترانزیتی و ملاحظات امنیتی

اهمیت تحولات اخیر برای ایران به موقعیت جغرافیایی و نقش سنتی آن در اتصال جمهوری آذربایجان به نخجوان بازمی‌گردد. ایران طی سال‌های گذشته یکی از مسیرهای مهم ارتباطی میان این دو منطقه بوده و همکاری‌های ترانزیتی و انرژی، از جمله انتقال سوخت و سوآپ گاز، به تهران امکان می‌داد در مناسبات اقتصادی منطقه نقش مؤثری ایفا کند. با راه‌اندازی مسیر جایگزین در جنوب ارمنستان، بخشی از این وابستگی کاهش خواهد یافت. جمهوری آذربایجان در چنین شرایطی گزینه‌های بیشتری برای انتقال کالا و مسافر خواهد داشت و همین مسئله می‌تواند از اهمیت مسیرهای عبوری از ایران بکاهد.

با این حال، نباید تصور کرد که راه‌اندازی TRIPP به معنای حذف کامل ظرفیت‌های ترانزیتی ایران است. انتخاب مسیرهای تجاری به عواملی مانند هزینه، امنیت، زمان انتقال و کیفیت زیرساخت‌ها بستگی دارد. بنابراین، ایران همچنان می‌تواند در شبکه ترانزیتی منطقه نقش داشته باشد؛ مشروط بر آنکه مزیت‌های جغرافیایی خود را به زیرساخت‌های کارآمد تبدیل کند.

در بعد امنیتی، موضوع حساس‌تر است. استان سیونیک و مرز ارمنستان با ایران از اهمیت ژئوپلیتیکی بالایی برخوردارند. هرگونه تغییر در ترتیبات مدیریت و کنترل این منطقه می‌تواند بر دسترسی ایران به ارمنستان و تداوم ارتباط زمینی با روسیه تأثیر بگذارد.

نگرانی تهران بیش از آنکه متوجه اصل ایجاد یک مسیر ارتباطی باشد، به نوع مدیریت آن و حدود اختیارات بازیگران خارجی بازمی‌گردد. اگر ترتیبات اجرایی پروژه به شکلی تنظیم شود که امکان اعمال محدودیت‌های سیاسی یا امنیتی در آینده وجود داشته باشد، موضوع از یک اختلاف اقتصادی فراتر خواهد رفت.

راهبرد ایران؛ مثل کریدور ارس تا دیپلماسی منطقه‌ای

در برابر این تحولات، ایران نباید صرفاً به موضع‌گیری سیاسی بسنده کند. مخالفت با یک پروژه زیرساختی، بدون ارائه گزینه‌های اقتصادی و عملیاتی جایگزین، نمی‌تواند به‌تنهایی موازنه موجود را تغییر دهد. تهران برای حفظ جایگاه خود به ترکیبی از توسعه زیرساخت، دیپلماسی فعال و همکاری اقتصادی با همسایگان نیاز دارد. در این میان، کریدور ارس یکی از مهم‌ترین گزینه‌های ایران است. این مسیر با اتصال مناطق مرزی آق‌بند و جلفا در خاک ایران، امکان ارتباط میان جمهوری آذربایجان و نخجوان را فراهم می‌کند. مزیت اصلی آن، ایجاد یک مسیر جایگزین بدون تغییر در مرزهای بین‌المللی است.

تکمیل کریدور ارس می‌تواند از انحصاری شدن مسیرهای ارتباطی جلوگیری کند و جایگاه ایران را در شبکه ترانزیتی قفقاز جنوبی حفظ کند. البته تحقق این هدف صرفاً به احداث جاده وابسته نیست؛ اتصال ریلی، تسهیل مقررات گمرکی و کاهش زمان عبور کالا نیز ضرورت دارد.

در کنار آن، تکمیل خط ریلی رشت–آستارا برای عملیاتی شدن کریدور شمال–جنوب اهمیت ویژه‌ای دارد. این مسیر می‌تواند ارتباط ایران با روسیه، قفقاز و بازارهای اروپایی را تقویت کند. همچنین توسعه ارتباطات بندر چابهار با مناطق شمالی و شمال‌غربی کشور، ظرفیت ایران را برای اتصال آب‌های آزاد به شبکه‌های تجاری اوراسیا افزایش خواهد داد.

در حوزه دیپلماسی نیز، استفاده از ظرفیت چارچوب همکاری منطقه‌ای ۳+۳ و گسترش گفت‌وگوهای سه‌جانبه با ترکیه و جمهوری آذربایجان می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تقویت همکاری‌های اقتصادی کمک کند. ایران باید ضمن حفظ روابط متوازن با کشورهای منطقه، مانع از تبدیل رقابت کریدورها به عاملی برای نظامی‌سازی مرزها شود.

آینده جایگاه ایران در قفقاز جنوبی

تحولات قفقاز جنوبی نشان می‌دهد که رقابت بر سر مسیرهای ترانزیتی دیگر صرفاً موضوعی اقتصادی نیست، بلکه به بخشی از رقابت قدرت‌های بزرگ برای شکل دادن به نظم آینده اوراسیا تبدیل شده است. TRIPP می‌تواند جایگاه آمریکا را در منطقه تقویت کند، مسیرهای تجاری جدیدی میان آسیا و اروپا به وجود آورد و معادلات سنتی ایران، روسیه و ترکیه را تحت تأثیر قرار دهد.

برای ایران، خطر اصلی صرفاً ایجاد یک مسیر جایگزین نیست؛ بلکه از دست دادن تدریجی مزیت‌های جغرافیایی و اقتصادی در نتیجه تأخیر در توسعه زیرساخت‌هاست. با این حال، موقعیت جغرافیایی ایران، دسترسی به خلیج فارس و دریای عمان و قرار گرفتن در مسیر کریدور شمال–جنوب همچنان ظرفیت‌های مهمی برای حضور مؤثر در تجارت اوراسیا فراهم می‌کنند. با این حال، چالش اصلی ایران صرفاً ظهور یک مسیر رقیب نیست. مسئله مهم‌تر، احتمال از دست رفتن تدریجی مزیت‌هایی است که موقعیت جغرافیایی ایران در اختیار این کشور قرار داده است؛ مزیت‌هایی که بدون سرمایه‌گذاری، توسعه زیرساخت و دیپلماسی اقتصادی، به‌تدریج ارزش راهبردی خود را از دست خواهند داد.

در نهایت، پاسخ مناسب به تحولات قفقاز جنوبی را باید در سه محور جست‌وجو کرد: توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی، دیپلماسی فعال با کشورهای منطقه و حفظ موازنه امنیتی در مرزهای شمالی. ایران برای حفظ جایگاه خود در معادلات جدید قفقاز جنوبی به راهبردی فراتر از واکنش‌های مقطعی نیاز دارد؛ ایران باید شرایطی فراهم آورد که هیچ‌یک از ترتیبات جدید منطقه‌ای نتواند نقش جغرافیایی و اقتصادی آن را نادیده بگیرد. در رقابت جدید کریدورها، جغرافیا به‌تنهایی تعیین‌کننده نیست؛ آنچه اهمیت دارد، توانایی تبدیل جغرافیا به قدرت اقتصادی و سیاسی است.